فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، شماره اول (پیاپی ۳۱)، بهار ۱۳۹۹
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۱۱۲-۹۵

تحلیل مدیریت ظرفیت‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه[1]

عبدالعزیز محمدی*؛ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
عبدالرضا رکن الدین افتخاری؛ استاد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
مهدی پورطاهری؛ دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۲۳ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۱/۱۷

چکیده

صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی یکی از مهم ترین صنایع روستایی به شمار می رود و ایجاد و تقویت این صنایع یکی از سودمند ترین ارتباطات بین دو بخش صنعت و کشاورزی است. این تحقیق از نظر روش کمی، از نظر هدف کاربردی، و از نظر ماهیت از نوع توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات در این تحقیق با استناد به مدارک موجود، مقالات، کتب و آمارها، جمع آوری شدند و در مرحله بعد اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه و با کمک روش میدانی جمع آوری گردیدند. تعداد ۱۷ روستا در این تحقیق به عنوان روستاهای نمونه انتخاب شدند. کلیه بهره برداران کشاورزی در این ۱۷ روستا جامعه آماری تحقیق را تشکیل می دهند، کل تعداد بهره برداران ۴۰۲۳ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران نمونه گیری انجام شد و عدد ۳۵۰ بدست آمد، که این تعداد به نسبت تعداد بهره بردار بین روستاهای نمونه تقسیم شد. در مرحله بعدی با استفاده از نرم افزار های Excel و Spss پرسشنامه ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. آزمون ها برای پاسخ دادن به فرضیات، آزمون تحلیل واریانس یکطرفه و آزمون تی برای دو گروه وابسته هستند. بر اساس نتایج بدست آمده از این تحقیق عامل نهادی در بین سه عوامل دیگر اقتصادی، اجتماعی و محیطی نقش تعیین کننده و اهمیت زیادی در مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی دارد. بنابراین از آنجا که مدیریت ظرفیت ها در این شهرستان ضعیف است می توان با تکیه بر عامل نهادی و ایجاد یک حکمروایی مناسب و توسعه روش های مشارکتی و توسعه سازمان های مردمی به بهبود مدیریت ظرفیت ها در شهرستان کمک کرد. و این امر با در پیش گرفتن نظریات حکمروایی: توانمند سازی، ظرفیت سازی، توسعه مشارکتی، و توسعه نهادی امکان پذیر می گردد.

واژگان کلیدی: اقتصاد روستایی، مدیریت ظرفیت ها، صنایع تبدیلی و تکمیلی، شهرستان زیرکوه.

---

[1] این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد با همین عنوان استخراج شده است.

* mohammadiaziz74@gmail.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

۱) مقدمه

کشاورزی به عنوان فعالیت غالب در نواحی روستایی، به تنهایی از توان تأمین اشتغال و درآمد کافی برای جمعیت روستایی برخوردار نمی باشد، بنابراین توجه به دیگر فعالیت های اقتصادی درآمد زا در محیط روستا، از مهم ترین ضروریات برنامه ریزی محلی است (مطیعی لنگرودی و نجفی کانی، ۱۳۹۰: ۱).

دراین میان، صنایع روستایی به دلیل اشتغال، افزایش درآمد و کاهش فقر در جوامع روستایی به ویژه در جوامعی که اقتصاد کشاورزی حکم فرماست از اهمیت بسزایی برخوردار است. یکی از این صنایع که توان گسترش در نواحی روستایی را دارد صنایع تبدیلی و تکمیلی است که با استفاده از ظرفیت های خود روستا می تواند گسترش یابد. صنایع تبدیلی به صنایعی گفته می شود که متکی به انواع فرآورده ها و محصولات تولیدی کشاورزی است و هر فرآورده یا محصول کشاورزی و دامی به عنوان ماده اولیه در جریان فرآیند تولیدات تبدیلی به مصرف می رسند. صنایع تکمیلی کشاورزی نیز به واحد هایی گفته می شود که به فرآوری مواد نباتی یا حیوانی می پردازند. فرآوری دربرگیرنده تغییر شکل و حفاظت از طریق تغییرات فیزیکی و شیمیایی، ذخیره سازی، بسته بندی و توزیع است (مدهوشی و نصیری،۱۲۸:۱۳۸۹).

در واقع، صنایع تبدیلی تسهیل کننده و ارتقا دهنده فعالیت های بخش کشاورزی هستند و توان صنعت منطقه ای و ملی را افزایش می دهند(عمانی و سلمان زاده، ۱۳۹۲: ۱۲۲) واینها از نظر برهم نزدن تعادل اکولوژیک یا دست کم به علت آسیب رسانی اندک در مقایسه با سایر صنایع برتری دارند. بسخن دیگر اینها، یکی از مناسب ترین مکمل های صنعتی برای فعالیت های کشاورزی در فرایند توسعه اقتصادی به صورت پایدارند. از سوی دیگر هر ساله مشاهده می شود در بسیاری از کشور ها تولیدات کشاورزی به علل مختلف از بین می رود و این در حالی است که جمعیت کره زمین با کمبود مواد غذایی روبه روست. بنابراین از جمله راهبرد هایی که در این مورد نتیجه بخش بوده و ضمن بالا بردن عملکرد، از اتلاف منابع جلوگیری می نماید استفاده از صنایع تبدیلی و تکمیلی است(نوروزی و فتحی،۱۵۶:۱۳۹۴).

پیشینه صنایع تبدیلی نشان می دهد،از قرن ۱۹ و ۲۰ به خاطر نیاز در عملیات های نظامی پیشرفت فوق العاده ای کرده است. در قرن ۲۰ و بعد از جنگ جهانی دوم به خاطر مصرف مواد غذایی فرآیند صنایع غذایی مثل میوه، کنسانتره، و خشک کردن پیشرفت فوق العاده ای کرد(زنگی آبادی و همکاران،۱۳۹۰: ۹). گزارش های بانک جهانی گویای آن است که این صنایع از نظر تنوع و افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی، اهمیت بسیاری در توسعه مناطق روستایی دارند. اهمیت این صنایع تا جایی است که ۲۰ تا ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی را حتی در کشور های در حال توسعه از آن خود ساخته است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۸۴). همچنین ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی می تواند در راستای جلوگیری از ضایعات محصولات کشاورزی، ایجاد ارزش افزوده در بخش کشاورزی، افزایش سطح درآمد روستاییان، بالابردن بهره وری بخش کشاورزی، و افزایش سهم اشتغال صنعتی در مناطق روستایی ایفای نقش کند (نوری و نیلی‌پور طباطبایی،۱۳۸۶: ۱۲۶).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

بنابراین می توان گفت که صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی یکی از مهم ترین صنایع روستایی به شمار می رود و ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی یکی از سودمند ترین ارتباطات بین دو بخش صنعت و کشاورزی است (نادری مهدیی و همکاران،۱۳۹۳: ۴۴). وجود عوامل متعددی برای توسعه صنایع تبدیلی ضروری است، اما در این میان مهم ترین عامل پتانسیل منطقه از نظر تأمین مواد اولیه برای اینگونه صنایع است که از الزامات اولیه برای ایجاد صنایع تبدیلی محسوب می شود(احمدیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۷).

به هر روی نکته مهم این است که ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی، پیچیدگی ها و ظرافت های خاص خود را می طلبد و باید با دقت و موشکافی لازم به اجرا درآید تا آثار قابل قبولی به دنبال داشته باشد(کلانتری و همکاران،۱۳۸۹: ۳).

با عنایت به آنچه آمد می توان گفت ، نظر به اینکه موضوع مورد پژوهش تحلیل مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی_تکمیلی در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه می باشد. بنابراین مهم ترین هدفی که این پژوهش دنبال می کند شناسایی ظرفیت ها برای ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه است تا بتوان با یک مدیریت صحیح توسعه روستایی را در این شهرستان رقم زد. در حال حاضر در این مناطق روستایی مدیریت این گونه ظرفیت ها به صورت سنتی است، کشاورزی به همان شکل سنتی ادامه دارد و نوآوری در زمینه توسعه و پیشرفت کشاورزی ناچیز است.

محصولات کشاورزی این شهرستان از جمله زرشک، زعفران و عناب در هنگام فروش به صورت فله ای و به دلالان فروخته می شود و کشاورزان متحمل ضرر می شوند، نیروی انسانی در این شهرستان به دلیل نبود کار و مقرون به صرفه نبودن کشاورزی و کمبود منابع آب و خاک که برای جمعیت روبه رشد مناسب نیست به اجبار برای یافتن شغل به شهرها مهاجرت می کنند. در زمینه محیطی نبود نوآوری و سنتی بودن شیوه های آبیاری باعث هدر رفت حجم زیادی از آب می شود. همچنین در زمینه نهادی و سازمانی سازمان های مردم نهاد در این شهرستان به خصوص در زمینه کشاورزی ناچیز است و به شیوه های مشارکتی در بین روستاییان توجه نمی شود. ازاین رو باید با یک مدیریت صحیح بتوان باعث بهبود این ظرفیت ها شد و بتوان با مدیریت این ظرفیت ها به سمت صنعتی شدن و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در شهرستان حرکت کرد. بنابراین سؤالی که در این تحقیق می شود عنوان کرد به شرح ذیل است: مناسب ترین راه حل مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه کدام است؟

۲) مبانی نظری

کشاورزی بخش اصلی از اقتصاد روستایی را تشکیل می دهد که متکی بر منابع طبیعی بوده است و محدودیت منابع طبیعی در برخی از نواحی روستایی باعث رکود اقتصادی آن ها شده است. بنابراین سیاست های توسعه اقتصادی نباید تأکید بیش از حدی بر بخش کشاورزی داشته باشد، بلکه باید کشاورزی را به عنوان بخشی از اقتصاد روستایی مورد توجه قرار دهد. این در واقع نوعی حرکت از کسب و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

کار های مبتنی بر منابع طبیعی به سمت کسب و کار های مبتنی بر دانش است. به علاوه اکنون که توزیع ثروت در روستاهای کشور نابرابر است، برخی از روستاها در رفاه نسبی به سر می برند در حالی که برخی دیگر با فقر روبه رو هستند. بسخن دیگر فقر در مناطق روستایی بیش از شهرهاست. این حقیقت بسیاری از متفکرین را بر آن داشته است که در توسعه کشاورزی برای کمک به فقرا نه تنها افزایش درآمد های فقرایی که مستقیماً کشاورزی می کنند لازم است، بلکه به کارگیری سرمایه و نیروی کار در فعالیت های غیر زراعی نیز ضروری می باشد (ظاهری و همکاران،۱۳۹۳: ۲۲۲).

با در نظر گرفتن میزان بالای ضایعات کشاورزی در کشور مشخص می شود که راه حل موجود برای رونق کشاورزی تنها افزایش تولید نیست. بلکه باید با برنامه ریزی درست از محصولات تولید شده به بهترین وجه ممکن استفاده کرد. با بهبود روش های تبدیلی، بسته بندی و توزیع مواد غذایی می توان از هدر رفتن میلیون ها تن محصول از زمان تولید تا رسیدن به دست مصرف کننده جلوگیری کرد. و بدین ترتیب ضمن بالا بردن درآمد ملی در راستای تأمین نیاز های تغذیه ای جامعه نیز گام موثری برداشت. تجربیات جهانی نشان می دهند که صنایع تبدیلی بخش کشاورزی قادرند تولیدات کشاورزی را افزایش دهند، در به وجود آمدن شغل نقش اساسی دارند و مناسبات بین بخشی را افزایش داده و بی توازنی در منطقه را کاهش می دهند. موفقیت صنایع تبدیلی در مناطق روستایی در کاهش ضایعات محصولات به روند تولید، کاشت، برداشت، بسته بندی، حمل و نقل و توزیع وابسته است (داور پناه و همکاران،۱۳۹۳: ۴۰).

در رابطه با صنایع تبدیلی و تکمیلی مطالعات زیادی انجام گرفته است که بیشتر در زمینه امکان سنجی صنایع تبدیلی و تکمیلی بوده است. در این بخش از پژوهش بیشتر مطالعاتی که در زمینه مدیریت محصولات و ضایعات کشاورزی و همچنین نقش صنایع تبدیلی در کاهش ضایعات بوده پرداخته می شود:

جدول ۱. پیشینه مطالعات انجام شده

نویسندگان/سال	عنوان مقاله	نتیجه
کرمی و همکاران/ ۱۳۹۸	تحلیل پیامدهای استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی بخش مرکزی شهرستان جیرفت	نتایج تحقیق نشان می دهد آثار و پیامد های صنایع تبدیلی و تکمیلی در بعد اقتصادی بیشتر و با اهمیت تر از دو بعد اجتماعی و زیست محیطی است.
داور پناه و همکاران/ ۱۳۹۳	نقش صنایع تبدیلی در کاهش ضایعات محصولات کشاورزی مناطق روستایی، مطالعه موردی دهستان دشت روم	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ضایعات محصولات کشاورزان روستای دارای صنایع تبدیلی کشاورزی کمتر از روستای فاقد صنایع تبدیلی است.
پیکار پرسان و همکاران/ ۱۳۹۲	عوامل مؤثر بر به کار گیری عملیات مدیریت ضایعات در تولید سیب در شهرستان ابهر	یافته‌های پژوهش نشان داد که بین میزان به کارگیری عملیات مدیریت ضایعات و متغیرهای میزان تحصیلات و سابقهٔ کار رابطهٔ مثبت و معنی داری در سطح یک درصد وجود دارد.
پورقاسم و همکاران/ ۱۳۹۲	بهینه سازی مدیریت ضایعات و بقایای زراعی: مورد مطالعه روستای حسن آباد شهرستان روانسر استان کرمانشاه	نتایج تحقیق نشان داد که کشاورزان، شرایط آب و هوایی نامساعد، آفات و بیماری و... عوامل ایجاد ضایعات در این منطقه هستند، و کشاورزان برای مقابله با آن باید کارهایی از قبیل آماده سازی زمین و کاشت بذر مرغوب در زمان مناسب، مبارزه با آفات و بیماری‌ها و... را انجام دهند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

نویسندگان/سال	عنوان مقاله	نتیجه
رزاقی بورخانی و شویکلو/۱۳۹۱	مدیریت ضایعات محصولات کشاورزی در توسعه کشاورزی پایدار ایران	علل عمده بروز ضایعات محصولات کشاورزی: روش‌های سنتی در کاشت، داشت و برداشت، عوامل اقتصادی و ضعف بنیه مالی کشاورزان، شیوه‌های غلط انبار داری و نبود صنایع تبدیلی و تکمیلی کافی برای جذب مواد خام، عوامل مدیریتی کنترل ضایعات محصولات کشاورزی و...
کلانتری و همکاران/۱۳۸۹	عوامل پیش برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان خراسان شمالی	نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سهم عوامل پیش برنده مؤثرتر از عوامل بازدارنده بوده و در نتیجه با ایجاد زمینه لازم می‌توان با تقویت عوامل پیش برنده و فائق آمدن بر عوامل بازدارنده، به توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان کمک کرد.
رحمانی/ ۱۳۸۲	بررسی نقش صنایع تبدیلی در کاهش ضایعات و توسعه صادرات محصولات کشاوری باغی	به منظور رفع مشکلات صنایع تبدیلی و حضور موفق در بازارهای جهانی پیشنهادهایی ارائه کرده است: ۱- به صنعت بسته بندی به عنوان یکی از بخش‌های کلیدی به طور جدی توجه شود ۲- از طریق به کار گیری سیاست‌هایی مانند قیمت‌های تضمینی و بیمه محصولات به کشاورزان اطمینان داده شود تا در جهت نیاز صنایع هر ساله تولید داشته باشند ۳- بروز رسانی فناوری و لزوم نوآوری برای حضور در بازارهای جهانی و...
اسدی و همکاران/ ۲۰۱۰	مدیریت زباله‌های گندم در ایران	نتایج تحقیق نشان داد که ذخیره سازی مناسب و پردازش محصولات پس از برداشت همراه با توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی می‌تواند در مدیریت زباله گندم مؤثر باشد.
دی[1]/۲۰۰۰	بسته بندی محیط زیستی اصلاح شده میوه و سبزیجات تازه	نتایج نشان می‌دهد که یکی از راه کارهای کاهش ضایعات محصولات، بسته بندی است.
آنگر[2] و همکاران/۱۹۹۱	مدیریت پسماندهای زراعی و کشت و زراعت و روش‌های حفاظت از آب و خاک در مناطق نیمه خشک- خاک‌های رس زراعی	نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وجود بقایای زراعی در خاک باعث می‌شود که خاک حفظ شودو برای حفظ بقایا که به عنوان خوراک دام مورد استفاده قرار می‌گیرند باید اقداماتی انجام بگیرد مانند بهبود تعادل بین منابع تغذیه‌ای و جمعیت حیوانات و یا استفاده از منابع جایگزین سوخت.

در زمینه توسعه صنایع در مناطق روستایی نظریه هایی مطرح شده است از جمله نظریه رخنه به پایین صنعتی، بر اساس این نظریه استقرار صنایع در مناطق روستایی و به کارگرفتن کارگران مازاد در این صنایع، می‌تواند به برابری دستمزدها بین تولید کنندگان و کارگران کمک کند. و همچنین به رشد و توسعه این مناطق کمک می کند و مناطق فقیر و حاشیه‌ای نیز از آن بهره مند می شوند و در اصطلاح توسعه رخنه به پایین می کند. نظریه آلفرد وبر، این نظریه بر مکان صنایع تأکید دارد، این الگو مکانی را برای صنایع انتخاب می‌کند که هزینه‌های حمل و نقل، هزینه‌های نیروی کار و هزینه‌های مربوط به تجمع و پراکنش در آن مکان حداقل باشد. نظریه پیوند سیدمن و دارکو، بر اساس این نظریه استقرار صنایع جدید به عنوان یک عامل راهبردی می‌تواند در نهایت منافع را به روستاها منتقل کند. شهرستان زیرکوه نیز به دلیل برخورداری از کشاورزی سنتی همانند اکثر مناطق روستایی کشور در زیر مجموعه مناطقی قرار می گیرد که توسعه روستایی ضعیفی دارند و اکثر کشاورزان از درآمد کافی برخوردار نمی

[1] Day
[2] Unger

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

باشند. بنابراین با سیاست های مدیریتی درست و کارآمد باید در حفظ منابع و ظرفیت های منطقه مانند ضایعات محصولات کشاورزی یا حتی خود محصولات کشاورزی که به دلیل عدم وجود صنایع بسته بندی و صنایع فرآوری محصولات به صورت ارزان از دست می روند و برای کشاورزان صرفه اقتصادی زیادی ندارند اقدام کرد. این امر محقق نمی شود مگر این که یک حکمروایی خوب در زمینه مدیریت ظرفیت ها در شهرستان به وجود آید تا به توان به شیوه مطلوب از امکانات در دسترس استفاده کرد و توسعه روستایی را در این شهرستان رقم زد. زیرا که ایجاد حکمروایی خوب از الزامات توسعه پایدار روستایی محسوب می شود. در تعریف آن می توان گفت حکمروایی مفهومی برای تشریح شکل جدیدی از تصمیم گیری جمعی در سطح محلی است که به توسعه روابط مختلف، نه تنها میان عوامل و بنگاه های عمومی بلکه میان شهروندان و بنگاه های عمومی می انجامد(GOSS، ۲۰۰۱: ۱۱ به نقل از بصیرت و همکاران، ۱۳۹۱: ۸). حکمروایی طی دهه ۱۹۹۰ میلادی، به یکی از واژه های محوری علوم اجتماعی، به ویژه در حوزه نظریه سیاسی، علوم سیاسی و جغرافیای انسانی تبدیل شده است و به بیانی دیگر حکمروایی را می توان کنش، شیوه یا سیستم اداره دانست که در آن مرز های بین سازمان ها و بخش عمومی و خصوصی در سایه یکدیگر محو می شوند(بصیرت و همکاران، ۱۳۹۱: ۸). این حکمروایی حاصل نمی شود مگر این که مشارکت در جوامع روستایی مورد توجه قرار بگیرد. و سیاستگذاران، برنامه ریزان و مردم با یکدیگر در تعامل قرار بگیرند.

۳) روش تحقیق

این پژوهش از نظر روش کمی از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی_ تحلیلی است، یعنی هم از روش های توصیفی، و هم از روش های استنباطی در ارائه مطالب و تجزیه و تحلیل داده ها استفاده می کند و به دو روش کتابخانه ای و میدانی به جمع آوری اطلاعات پرداخته است. ابزار گردآوری اطلاعات در روش میدانی پرسشنامه بوده، که از چهار بخش اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی- سازمانی تشکیل شده است و به دو قسمت تقسیم شده است. قسمت اول از پاسخگو می خواهد که اهمیت هر یک از متغیر ها را به صورت کم، متوسط و زیاد مشخص کند. و بخش دوم مشخص می کند که متغیر ها در وضعیت موجود تا چه اندازه مورد توجه قرار می گیرند و از پاسخ دهنده خواسته می شود که با کم، متوسط و زیاد به سؤالات پاسخ دهد. برای تحلیل اطلاعات (مجموعه ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سازمانی_ نهادی سازند های اصلی مدیریت ظرفیت ها را در مناطق روستایی تشکیل می دهند که در آن عامل نهادی از اهمیت بیشتری برخوردار است). آزمون تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA)، و برای تحلیل اطلاعات (با توجه به عوامل موجود مدیریت ظرفیت ها در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه ضعیف است) آزمون تی برای دو گروه وابسته و از نرم افزار های Excel وSpss استفاده شده است.، و در تهیه نقشه از نرم افزار GIS بهره گرفته است.

شهرستان زیرکوه با وسعتی حدود ۸۲۲۶ کیلومتر مربع از شمال به بخش های قاسم آباد و سنگان شهرستان خواف، از جنوب به بخش قهستان شهرستان درمیان، از غرب به شهرستان قاینات و از شرق به طول ۱۱۶ کیلومتر با کشور افغانستان هم مرز می باشد. طول و عرض جغرافیایی این شهرستان ۶۰ درجه و ۵۷ دقیقه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

طول شرقی و ۲۳ درجه و ۵۸ دقیقه عرض شمالی می باشد. این شهرستان از سال ۱۳۹۱ از شهرستان قاینات جدا شد و به شهرستان مستقل تبدیل گردید. و از سه بخش مرکزی به مرکزیت شهر حاجی آباد شامل دهستانهای زیرکوه و پترگان؛ بخش زهان به مرکزیت شهر زهان شامل دهستانهای زهان و افین و بخش شاسکوه به مرکزیت آبیز شامل دهستان های شاسکوه و بهناباد تشکیل شده است. تعداد آبادی های این شهرستان ۱۰۸ آبادی است که از این تعداد ۱۰۰ آبادی دارای سکنه و تعداد ۸ آبادی خالی از سکنه هستند. از تعداد آبادی های دارای سکنه ۴۹ روستا در بخش مرکزی تعداد ۱۳ روستا در بخش شاسکوه و تعداد ۳۸ روستا در بخش زهان این شهرستان واقع شده اند.

در این شهرستان جمعیت شهری ۷۲۸۶ نفر و ۱۷۵۴ تعداد خانوار و جمعیت روستایی در این شهرستان ۳۲۸۶۹ و تعداد خانوار روستایی ۹۴۲۴ در سال ۱۳۹۵ بوده است. بر اساس این آمار تعداد کل جمعیت شهرستان ۴۰۱۵۵ و ۱۱۱۷۸ خانوار را شامل می شود. تفکیک جمعیت بر اساس جنسیت نشان می دهد که تعداد ۲۰۴۱۸ نفر از جمعیت شهرستان را مردان و تعداد ۱۹۷۳۷ نفر را زنان تشکیل می دهند که در مجموع می توان گفت تعداد ۵۱ درصد کل جمعیت را مردان و تعداد ۴۹ درصد جمعیت را زنان تشکیل می دهند. محصولات عمده و خاص کشاورزی این شهرستان شامل زرشک، زعفران و عناب است که در جدول شماره ۲ سطح زیر کشت آنها و تعداد روستاهایی که این محصولات در آن کشت می شده اند آورده شده است.

جدول۲. محصولات کشاورزی زرشک، زعفران و عناب در شهرستان زیرکوه

محصول	تعداد روستا	سطح زیر کشت (بارور) به هکتار
زرشک	۶۸	۱۸۷۸/۷۵۲
زعفران	۲۲	۸۸۳/۹۲
عناب	۲۴	۱۸۳/۰۹۳

مأخذ: جهاد کشاورزی شهرستان زیرکوه ۱۳۹۷

نقشه شماره ۱، شهرستان زیرکوه را بر اساس روستاهای نمونه نشان می دهد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

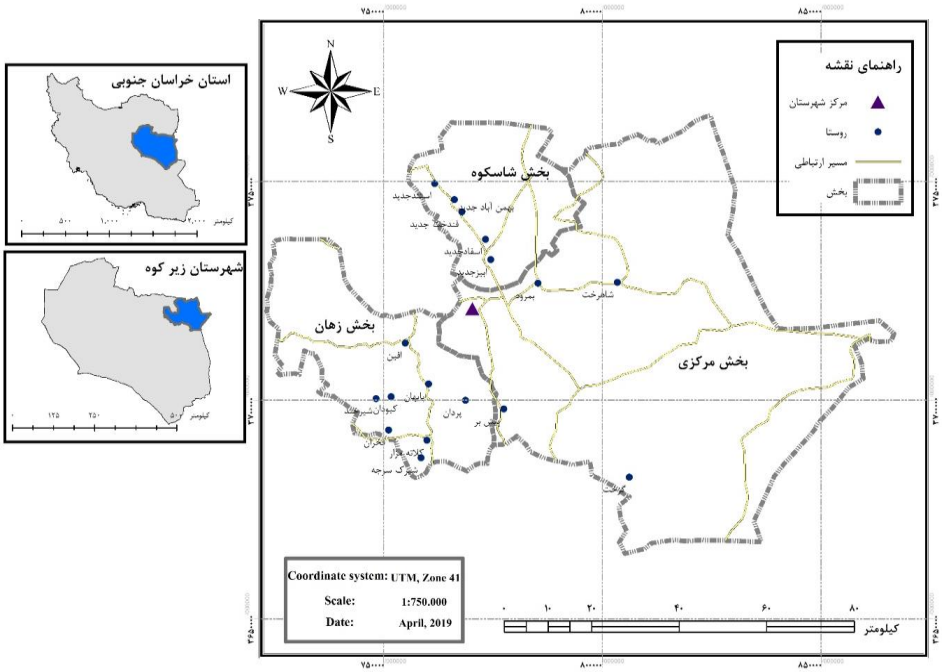

نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی و موقعیت سیاسی شهرستان زیرکوه

تعداد روستاهای نمونه در این پژوهش بر اساس سطح زیر کشت محصولات کشاورزی انتخاب شدند. بدین گونه که محصولات عمده کشاورزی شامل زرشک، زعفران و عناب در سه گروه جای گرفتند و روستا ها بر اساس آن طبقه بندی شدند، و با استفاده از میانگین، روستاهایی که از نظر سطح زیرکشت بالا تر از میانگین قرار داشتند به عنوان روستاهای نمونه تحقیق انتخاب شدند. از بین ۶۸ روستا که در زمینه تولید زرشک فعالیت داشتند تعداد ۱۸ روستا بالاتر از میانگین مورد نظر قرار گرفتند که این روستاها بیشتر در بخش زهان شهرستان زیرکوه قرار دارند. به علت تعداد زیاد روستاهایی که دارای محصول زرشک هستند، روستاهایی که تعداد بهره برداران آن ها کمتر از ۱۰۰ نفر بود حذف شدند، که تعداد ۹ روستا باقی ماندند. در محصول زعفران از بین ۲۲ روستا که زعفران در آنها کشت می شد فقط ۵ روستا میانگین مورد نظر را بدست آوردند که از نظر پراکنش در بخش شاسکوه شهرستان قرار دارند. و از بین ۲۲ روستا که عناب یکی از محصولاتشان را تشکیل می دهد فقط ۸ روستا بالا تر از میانگین مورد نظر قرار گرفتند، که تعداد ۵ روستا با محصول زعفران مشترک است و از نظر پراکنش این روستاها در بخش مرکزی و شاسکوه قرار دارند. در انتها تعداد ۱۷روستا به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.

کلیه بهره برداران کشاورزی در این ۱۷ روستا جامعه آماری تحقیق را تشکیل می دهند، کل تعداد بهره برداران ۴۰۲۳ نفر است که به دلیل تعداد زیاد با استفاده از فرمول کوکران نمونه گیری انجام شد و عدد ۳۵۰ بدست آمد، که این تعداد به نسبت تعداد بهره بردار بین روستاهای نمونه تقسیم شد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

۴) یافته‌های تحقیق

در این پژوهش تعداد ۱۷ روستا بر اساس نمونه انتخاب شد که کشاورزان این روستاها جامعه آماری تحقیق را تشکیل می دادند، که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۵۰ پرسشنامه کشاورز در نظر گرفته شد. بافته های استنباطی درمورد مجموعه ای از شاخص های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی و سازمانی سازند های اصلی مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه که در آن نقش شاخص نهادی از اهمیت بیشتری برخوردار است برابر جدول شماره ۳ نشان می دهد درجه آزادی ۳ و ۱۳۹۶ و سطح معناداری آن ۹۸۳ ۰/۰ است و از آنجا که سطح معناداری بزرگتر از آلفا ۰/۰۵ بوده، می توان فرض برابری واریانس ها را پذیرفت. در نتیجه می توان از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه برای مقایسه میزان اهمیت بین شاخص های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی و سازمانی استفاده کرد.

جدول ۳. آزمون لون جهت برابری واریانس ها

آزمون لون	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
۰/۰۵۵	۳	۱۳۹۶	۰/۰۹۸۳

جدول شماره ۴، خروجی تحلیل واریانس یکطرفه را نشان می دهد. این جدول جمع مربعات، درجه آزادی، میانگین مربعات ، مقدار F و سطح معناداری را نشان می دهد. از آنجا که سطح معناداری محاسبه شده کوچکتر از آلفا ۰/۰۵ می باشد فرض H0 که مبین برابری بین میانگین ها است به نفع فرض مقابل H1 رد می شود و نشان می دهد که بین گروه های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی سازمانی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول۴. خروجی تحلیل واریانس یکطرفه بر اساس واریانس درون و بین گروهی (ANOVA)

	جمع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنا داری
بین گروه ها	۱۲/۱۶۸	۳	۴/۰۵۶	۳۷/۰۲۷	۰
درون گروه ها	۱۵۲/۹۲۳	۱۳۹۶	۱۱۰		
جمع	۱۶۵/۰۹۱	۱۳۹۹			

جدول شماره ۵ بر اساس آزمون توکی HSD نشان می‌دهد که بین میانگین کدامیک از گروه‌ها تفاوت معنا داری وجود داشته است، که همانطور که در جدول مشاهده می‌شود میانگین‌های شاخص اقتصادی و محیطی سطح معنا داری بزرگتر از آلفا ۰/۰۵ است بنابراین می‌توان گفت که شاخص اقتصادی و محیطی با هم برابر بوده و تفاوت معناداری بین آنها وجود نداشته است. ولی در بین دیگر شاخص ها که سطح معنا داری کوچکتر از آلفا ۰/۰۵ را نشان می دهد تفاوت معنادار وجود دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

جدول ۵. مقایسه تطبیقی معناداری بین میانگین های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی سازمانی

(I) شاخص ها	(J) شاخص ها	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۰/۰۹۵	
					حد پایین	حد بالا
اقتصادی	اجتماعی	-۰/۱۵۲۳۸*	۰/۰۲۵۰۲	۰	-۰/۲۱۶۷	-۰/۰۸۸۰
	محیطی	-۰/۰۵۹۲۴	۰/۰۲۵۰۲	۰/۰۸۴	-۰/۱۲۳۶	۰/۰۰۵۱
	نهادی سازمانی	-۰/۲۴۵۵۲*	۰/۰۲۵۰۲	۰	-۰/۳۰۹۹	-۰/۱۸۱۲
اجتماعی	اقتصادی	۰/۱۵۲۳۸*	۰/۰۲۵۰۲	۰	۰/۰۸۸۰	۰/۲۱۶۷
	اجتماعی	۰/۰۹۳۱۴*	۰/۰۲۵۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۲۸۸	۰/۱۵۷۵
	نهادی سازمانی	-۰/۰۹۳۱۴*	۰/۰۲۵۰۲	۰/۰۰۱	-۰/۱۵۷۵	-۰/۰۲۸۸
محیطی	اقتصادی	۰/۰۵۹۲۴	۰/۰۲۵۰۲	۰/۰۸۴	-۰/۰۰۵۱	۰/۱۲۳۶
	اجتماعی	-۰/۰۹۳۱۴*	۰/۰۲۵۰۲	۰/۰۰۱	-۰/۱۵۷۵	-۰/۰۲۸۸
	نهادی سازمانی	-۰/۱۸۶۲۹*	۰/۰۲۵۰۲	۰	-۰/۲۵۰۶	-۰/۱۲۱۹
نهادی و سازمانی	اقتصادی	۰/۲۴۵۵۲*	۰/۰۲۵۰۲	۰	۰/۱۸۱۲	۰/۳۰۹۹
	اجتماعی	۰/۰۹۳۱۴*	۰/۰۲۵۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۲۸۸	۰/۱۵۷۵
	محیطی	۰/۱۸۶۲۹*	۰/۰۲۵۰۲	۰	۰/۱۲۱۹	۰/۲۵۰۶

جدول شماره ۶، میزان اهمیت هر یک از شاخص های اقتصادی، اجتماعی، محیطی، نهادی و سازمانی را بر اساس آزمون توکی نشان می دهد. همانطور که در جدول مشاهده می شود شاخص های اقتصادی و محیطی میزان اهمیت کم، شاخص اجتماعی میزان اهمیت متوسط و شاخص نهادی و سازمانی میزان اهمیت زیاد ارزیابی شده است.

جدول ۶. میزان اهمیت هر یک از شاخص ها

شاخص ها	جمع	Subset for alpha = ۰/۰۵		
		کم	متوسط	زیاد
اقتصادی	۳۵۰	۲/۴۷۶۲		
محیطی	۳۵۰	۲/۵۳۵۴		
اجتماعی	۳۵۰		۲/۶۲۸۶	
نهادی و سازمانی	۳۵۰			۲/۷۲۱۷
Sig.		۰/۸۴	۱	۱

در نتیجه می توان گفت که نقش شاخص نهادی از اهمیت بیشتری برخوردار است، همچنین به منظور تعیین میزان اهمیت هر کدام از شاخص های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی و سازمانی در روستا های مورد مطالعه از آزمون توکی استفاده شد. در نقشه شماره ۲، بر اساس آزمون توکی میزان اهمیت شاخص اقتصادی در روستاهای مورد مطالعه آورده شده است. بر این اساس فقط روستاهای کبودان و گزخت گویه های اقتصادی آن ها نسبت به روستاهای دیگر از اهمیت کمتری برخوردار بوده و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

روستای افین گویه های اقتصادی آن نسبت به سایر روستاها اهمیت بالاتری داشته است و بقیه روستاها شاخص های اقتصادی آن ها از اهمیت یکسانی برخوردار بوده است.

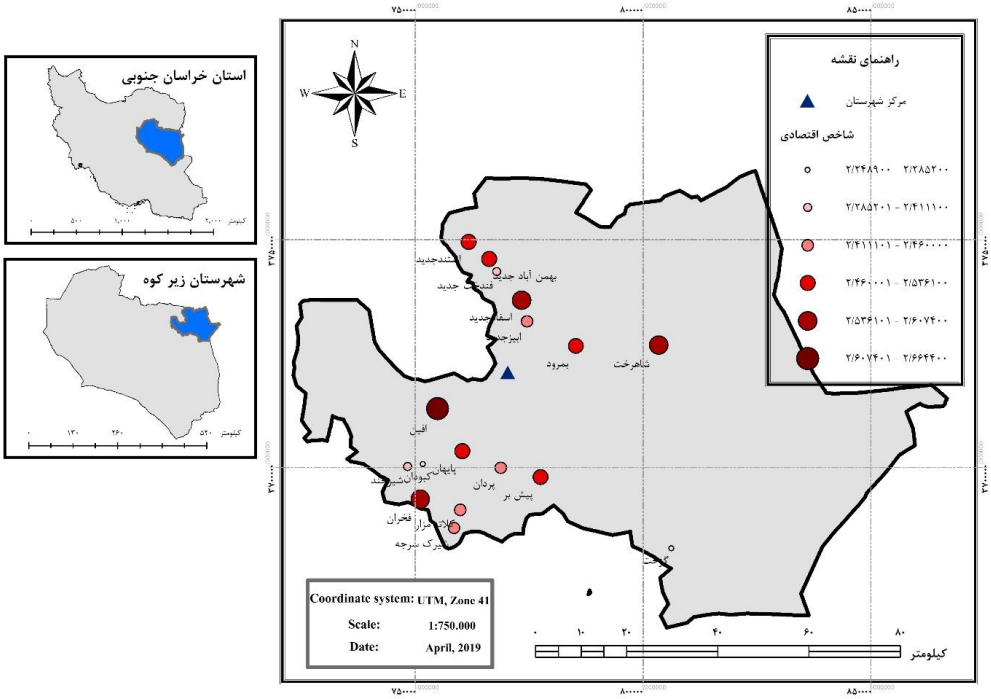

نقشه۲. آزمون توکی برای شاخص اقتصادی در همه روستا های مورد مطالعه

در نقشه شماره ۳ میزان اهمیت شاخص های اجتماعی بر اساس آزمون توکی آورده شده است که بر این اساس مشخص می شود که تمامی گویه های اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه از اهمیت یکسانی برخوردارند. فقط روستای گزخت نسبت به روستاهای دیگر در بعد اجتماعی از اهمیت کمتری برخوردار بوده است. و همچنین گویه های اجتماعی در روستاهای شاهرخت و افین از اهمیت بالاتری نسبت به سایر روستا ها برخوردار بوده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

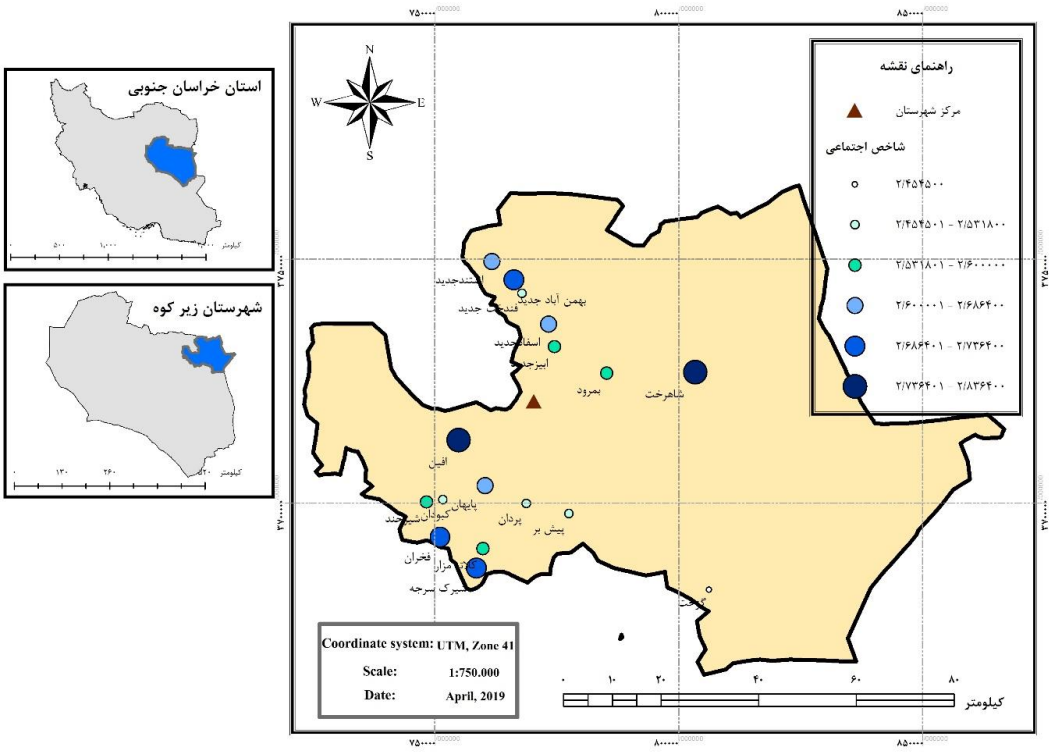

نقشه ۳. آزمون توکی برای شاخص اجتماعی در همه روستا های مورد مطالعه

نقشه شماره ۴ میزان اهمیت گویه های محیطی را در تمامی روستاهای مورد مطالعه نشان می دهد.

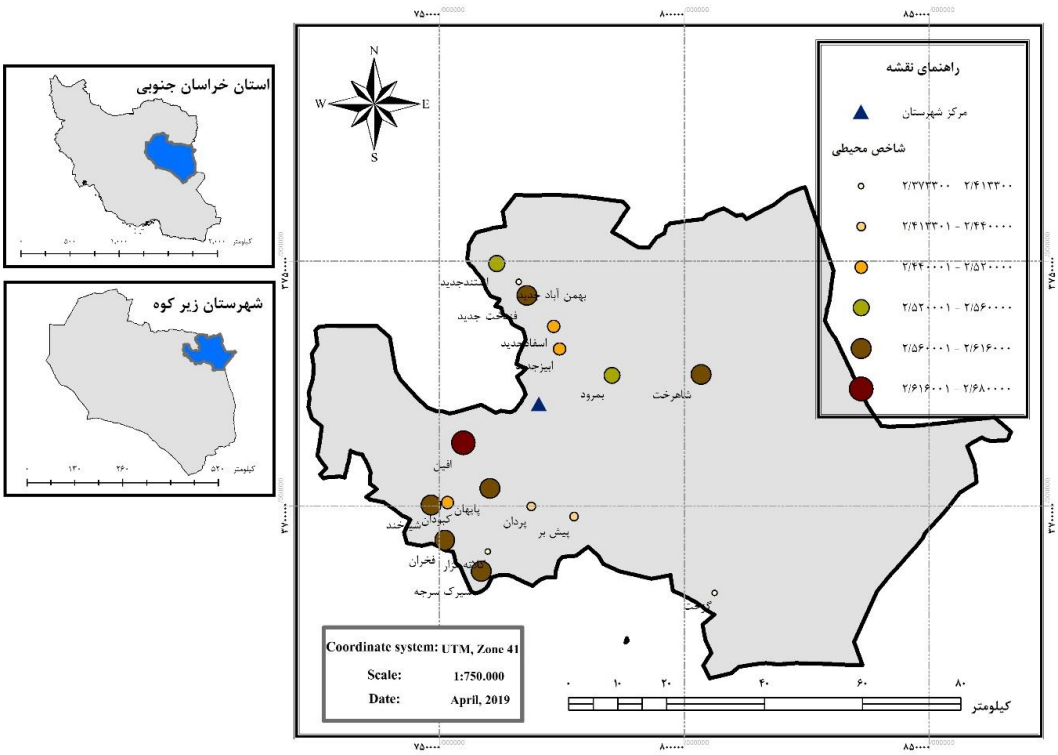

نقشه ۴. آزمون توکی برای شاخص محیطی در همه روستا های مورد مطالعه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

شاخص های نهادی و سازمانی نیز که در نقشه شماره ۵ نشان داده شده است در تمامی مناطق روستایی شهرستان زیرکوه از اهمیت یکسان برخوردار بوده و تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

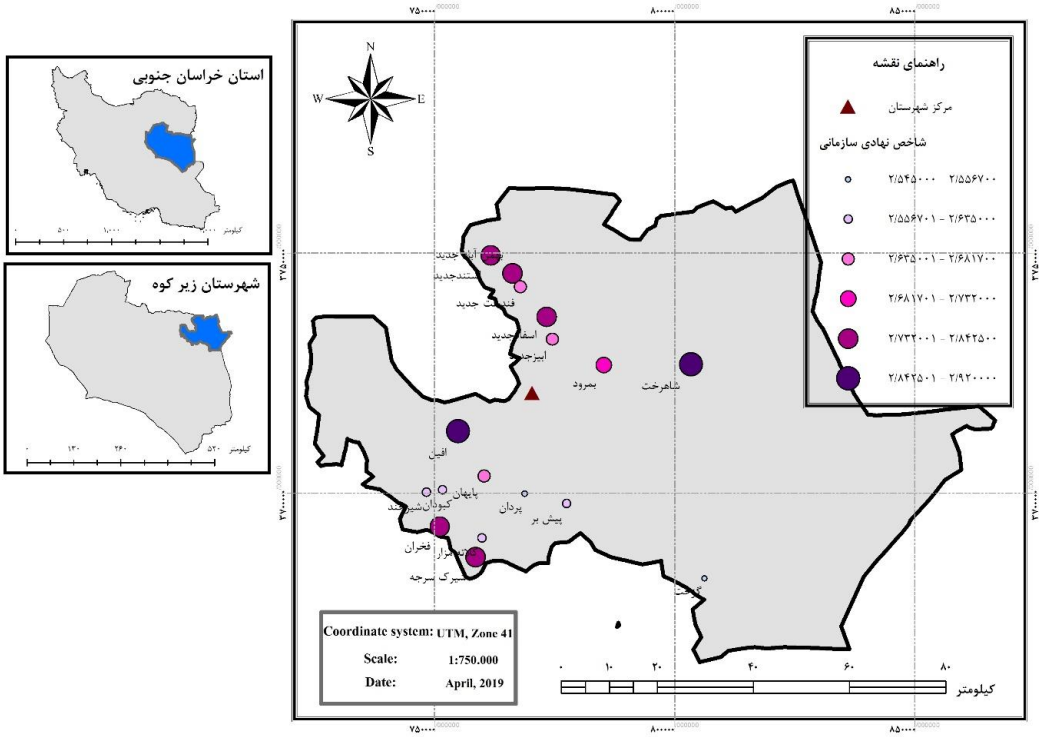

نقشه ۵. آزمون توکی برای شاخص نهادی و سازمانی در همه روستا های مورد مطالعه

همچنین داده های تحقیق بر اساس اهمیت و وضع موجود هر یک از شاخص ها به وسیله آزمون تی برای دو گروه همبسته مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به واسطه این آزمون می توان استنباط نمود که میانگین داده ها دو گروه قبل و بعد تا چه اندازه با یکدیگر متفاوت اند. در این آزمون فرضیه H۰ بر برابری میانگین های اهمیت و وضعیت و فرض H1 بر نابرابری میانگین های اهمیت و وضع موجود دلالت دارد. جدول شماره ۷، اطلاعات توصیفی هر کدام از شاخص های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی و سازمانی را بر اساس میزان اهمیت و وضع موجود نشان می دهد. در این جدول ، میانگین، جمع، انحراف از معیار و انحراف از میانگین هر یک از اهمیت داده ها و وضع موجود داده ها آورده شده است. از مقایسه میانگین اهمیت داده های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی با میانگین وضع موجود اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی در حال حاضر می توان استنباط نمود که شاخص وضع موجود از میانگین کمتری نسبت به اهمیت برخوردار است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

جدول ۷. اطلاعات توصیفی هر یک از شاخص ها بر اساس آزمون تی برای دو گروه وابسته

		میانگین	جمع	انحراف از معیار	انحراف از میانگین
جفت داده ۱	اهمیت داده های اقتصادی	۲/۴۷۶۲	۳۵۰	۰/۳۴۰۵۲	۰/۰۱۸۲۰
	وضعیت داده های اقتصادی	۱/۴۷۸۱	۳۵۰	۰/۱۷۸۸۶	۰/۰۰۹۵۶
جفت داده ها ۲	اهمیت داده های اجتماعی	۲/۶۲۸۶	۳۵۰	۰/۳۲۷۷۹	۰/۰۱۷۵۲
	وضعیت داده های اجتماعی	۱/۳۷۲۷	۳۵۰	۰/۲۱۳۰۹	۰/۰۱۱۳۹
جفت داده ها ۳	اهمیت داده های محیطی	۲/۵۳۵۴	۳۵۰	۰/۳۰۶۶۶	۰/۰۱۶۳۹
	وضعیت داده های محیطی	۲/۲۴۹۱	۳۵۰	۰/۳۴۲۰۶	۰/۰۱۸۲۸
جفت داده ها ۴	اهمیت داده های نهادی	۲/۷۲۱۷	۳۵۰	۰/۳۴۷۴۶	۰/۰۱۸۵۷
	وضعیت داده های نهادی	۱/۳۵۲۹	۳۵۰	۰/۱۹۴۷۲	۰/۰۱۰۴۱

جدول شماره ۸ نتایج نهایی در مورد تحقیق (بر اساس شاخص های موجود مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی در حال حاضر در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه ضعیف است) را ارائه می دهد. در این جدول همه داده های اهمیت و وضع موجود شاخص های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی با هم در نظر گرفته شده اند و داده های توصیفی مانند میانگین، انحراف از معیار، میزان خطای میانگین و همچنین حد بالا و حد پایین، میزان T، درجه آزادی و سطح معناداری که از مهم ترین خروجی های این جدول محسوب می شود، آورده شده است. بر اساس این آزمون سطح معناداری هر یک از شاخص ها کوچکتر از آلفا ۰/۰۵ است می توان فرض H0 را به نفع فرض مقابل رد نمود. و می توان نتیجه گرفت که مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی در حال حاضر در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه از ناپایداری برخوردار است.

جدول ۸.محاسبه سطح معناداری و تفاوت بین اهمیت و وضعیت هر کدام از شاخص های اقتصادی،اجتماعی،محیطی،نهادی

مؤلفه ها		میانگین	انحراف از معیار	انحراف از میانگین	فاصله اطمینان ۰,۰۹۵ درصد اختلاف		t	درجه آزادی	سطح معناداری
					پایین	بالا			
جفت داده ها	اهمیت اقتصادی – وضعیت اقتصادی	۰/۹۹۸۱۰	۰/۳۸۴۷۱	۰/۰۲۰۵۶	۰/۹۵۷۶۵	۱/۰۳۸۵۴	۴۸/۵۳۷	۳۴۹	۰
جفت داده ها ۲	اهمیت اجتماعی- وضعیت اجتماعی	۱/۲۵۵۸۴	۰/۴۰۷۳۴	۰/۰۲۱۷۷	۱/۲۱۳۰۲	۱/۲۹۸۶۷	۵۷/۶۷۸	۳۴۹	۰
جفت داده ها ۳	اهمیت محیطی- وضعیت محیطی	۰/۲۸۶۲۹	۰/۳۸۲۴۰	۰/۰۲۰۴۴	۰/۲۴۶۰۸	۰/۳۲۶۴۹	۱۴/۰۰۶	۳۴۹	۰
جفت داده ها ۴	اهمیت نهادی- وضعیت نهادی	۱/۳۶۸۸۶	۰/۴۲۵۲۴	۰/۰۲۲۷۳	۱/۳۲۴۱۵	۱/۴۱۳۵۶	۶۰/۲۲۲	۳۴۹	۰

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

۵) نتیجه گیری

صنایع تبدیلی به آن گروه از صنایعی اطلاق می شود که در آن ها یک فرآورده کشاورزی برای بهتر مصرف شدن، عرضه مناسب تر، و افزایش ارزش اقتصادی به شکل دیگری تبدیل شود به نحوی که ماهیت محصول جدید با ماهیت ماده اولیه یکسان ولی محصول نهایی یک ماده جدید نسبت به ماده اولیه باشد. صنایع روستایی نقش بسزایی در افزایش درآمد روستائیان و ایجاد اشتغال در این بخش دارد. در ضمن صنایع روستایی می توانند نقش مؤثری در توسعه اقتصادی روستاها و کشور داشته باشند. این صنایع جدا از توان اشتغالزایی بالایی که دارد، می تواند در حل مسائل نابرابری و توزیع درآمد و امکانات، مهاجرت، امنیت ملی، آمایش سرزمین، رشد بیش از اندازه جمعیت شهرها و آلودگی آن و دیگر موارد بسیار مؤثر باشد. اما در حال حاضر بیشتر افرادی که در روستاها زندگی می کنند و به طور مستقیم و غیر مستقیم به کشاورزی اشتغال دارند، به دلیل ویژگی های خاص اقتصاد کشاورزی از یک سو و عدم توجه لازم به این بخش و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی، متأسفانه این گروه معمولاً فقیرترین مردم جامعه را تشکیل می دهند. شهرستان زیرکوه که دارای محصولات خاصی از جمله، زرشک، زعفران و عناب است نیز همانند سایر مناطق کشور سود قابل توجهی عاید کشاورزان نمی شود و بیشتر واسطه ها از فروش محصولات سود می برند. علاوه بر این موارد این شهرستان دارای مناطق روستایی زیادی است که به دلیل مشکلات متعددی که یکی از مهم ترین آن نبود اشتغال در این روستا ها است جمعیت جوان به شهرها مهاجرت می کنند و در شهر اغلب به مشاغل کاذب رو می آورند. در مطالعاتی که در زمینه صنایع تبدیلی و تکمیلی انجام گرفته نشان می دهد که ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی نقش مؤثری در کاهش ضایعات محصولات کشاورزی و افزایش ارزش افزایی مواد خام دارد، برای مثال در سال ۱۳۹۳ داور پناه و همکاران در مطالعه ای به نقش صنایع تبدیلی در کاهش ضایعات کشاورزی پرداختند که نتایج تحقیق نشان می دهد ضایعات در روستاهای دارای صنایع تبدیلی و تکمیلی کمتر از روستاهای فاقد صنایع تبدیلی است. همچنین در مطالعه ای اسدی و همکاران در سال ۲۰۱۰ مدیریت زباله های گندم را مورد مطالعه قرار داده اند که نتایج نشان می دهد که ذخیره سازی مناسب و پردازش محصولات پس از برداشت همراه با توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی می تواند در مدیریت زباله گندم موثر باشد. بنابراین با توجه به توانمندی هایی که شهرستان زیرکوه دارد یکی از روش های توسعه این شهرستان رو آوردن به صنایع تبدیلی و تکمیلی است تا بتوان از افزایش مهاجرت و همچنین بیکاری جلوگیری کرد. این تحقیق بر آن شد تا به مطالعه ظرفیت های موجود در شهرستان زیرکوه که برای ایجاد و همچنین توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی مؤثر است بپردازد. برای انجام این پژوهش و رسیدن به هدف تحلیل مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی، نتایج نشان می دهد که عامل نهادی و سازمانی در بین سایر عواملی که سازند های اصلی مدیریت ظرفیت ها را تشکیل می دهند از اهمیت بیشتری برخوردار است. همچنین بر اساس شاخص های موجود مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی در حال حاضر در مناطق روستایی شهرستان زیرکوه ضعیف است، بدین سان که میانگین وضع موجود نسبت به اهمیت گویه ها از میانگین کمتری برخوردار است و در نتیجه مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی در مناطق روستایی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

شهرستان زیرکوه ضعیف است. همانطور که از نتایج آزمون فرضیات بدست آمد عامل نهادی در بین سه عوامل دیگر نقش تعیین کننده و اهمیت زیادی در مدیریت ظرفیت های صنایع تبدیلی و تکمیلی دارد. بنابراین از آنجا که مدیریت ظرفیت ها در این شهرستان ضعیف است می توان با تکیه بر عامل نهادی و ایجاد یک حکمروایی مناسب و توسعه روش های مشارکتی و توسعه سازمان های مردمی به بهبود مدیریت ظرفیت ها در شهرستان کمک کرد. و این امر با در پیش گرفتن نظریات حکمروایی: توانمند سازی، ظرفیت سازی، توسعه مشارکتی، و توسعه نهادی امکان پذیر می گردد.

با توجه به نتایج بدست آمده مهمترین پیشنهادات تحقیق بدین صورت عنوان می شود:

- ✓ دقت و توجه در هنگام برداشت محصول تا محصولات با کیفیت جمع آوری گردند؛
- ✓ تشکیل واحد های صنفی توسط کشاورزان برای ایجاد مشارکت در امر کشاورزی؛
- ✓ تلاش برای جذب حمایت سازمان های دولتی و مردمی برای ساخت بارگاه برای محصول زرشک؛
- ✓ استفاده بهینه از منابع آب و خاک با کاشت محصولات مناسب با آب و هوای منطقه؛
- ✓ جلوگیری از تخریب محیط زیست و حفظ منابع موجود در شهرستان؛
- ✓ تبلیغات برای محصولات کشاورزی توسط اینترنت و شبکه های مجازی؛
- ✓ استفاده از بسته بندی های مناسب و مشتری پسند در هنگام فروش محصولات؛
- ✓ ساخت برند برای محصولات زرشک، زعفران و عناب؛
- ✓ جذب حمایت های خیرین و سازمان های مردم نهاد خارج از شهرستان برای ایجاد اشتغال در زمینه صنایع تبدیلی و تکمیلی؛
- ✓ استفاده از روش های مشارکتی در ایجاد اشتغال در روستای خود؛
- ✓ تسهیل فرایند دادن وام های کم بهره به کشاورزان برای ایجاد اشتغال و نوآوری در کشاورزی؛
- ✓ کم کردن بروکراسی ها و کاغذ بازی های اداری در زمینه دادن مجوز و اخذ پروانه؛
- ✓ آموزش روش های نوین کشاورزی به کشاورزان؛
- ✓ توجه به نیرو های جوان و تحصیل کرده شهرستان و فراهم کردن شرایط برای اشتغال آنها و ماندگاریشان در شهرستان؛
- ✓ توجه به آموزش روش های مشارکتی به مردم و تقویت روحیه مشارکتی در بین جوانان؛
- ✓ نظر سنجی و نظر خواهی از مردم در زمینه کار ها و اموری که در شهرستان و روستا اتفاق می افتد؛
- ✓ به وجود آوردن یک تبادل بین مردم و سیاستگذاران (سیاستگذاران به عنوان تسهیل گر مردم را برای اداره روستا و سهیم شدن در طرح ها و پروژه هایی که در روستای آن ها ایجاد می شود آماده کنند).

۶) منابع

- احمدیان، مهدی، یوسف قنبری، بیتا اصلانی سنگده و حسین عزیزی، (۱۳۹۲)، **شناسایی و تحلیل عوامل موثر بر توسعه نیافتگی صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی، مطالعه موردی: شهرستان مرودشت**، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، شماره ۴، صص ۱۲۵- ۱۵۲.
- استانداری استان خراسان جنوبی، https://portal.sko.ir/

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

- بصیرت، میثم، محمد مهدی عزیزی، اسفندیار زبردست و عباس احمد آخوندی، (۱۳۹۱)، **فرصت ها و چالش های حکمروایی کلانشهری خوب در عصر جهانی شدن، مطالعه موردی تهران**، نشریه ی هنر های زیبا_معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره۱، صص۵-۱۶.
- پور رمضان، عیسی و زهرا اکبری، (۱۳۹۳)، **اثرات ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی بر اقتصاد روستایی، مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان رشت**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره۴، صص ۱۴۵-۱۶۵.
- پیکار پرسان، مرجان، حسین شعبانعلی فمی، ژیلا دانشور عامری و آزاده خدابخشی، (۱۳۹۲)، **عوامل موثر بر به کارگیری عملیات مدیریت ضایعات در تولید سیب در شهرستان ابهر**، مجله تحقیقات اقتصادی و توسعه کشاورزی ایران، دوره۴، شماره۲، صص ۳۲۹-۳۴۱.
- پورقاسم، فاطمه، امیر حسین علی بیگی و کیومرث زرافشان ، (۱۳۹۲)، **بهینه سازی مدیریت ضایعات و بقایای زراعی: مورد مطالعه روستای حسن آباد شهرستان روانسر استان کرمانشاه**، جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، شماره ۴، صص ۸۱-۹۸.
- داور پناه، سید علی اصغر، مهدی نوری پور و زینب شریفی، (۱۳۹۳)، **نقش صنایع تبدیلی در کاهش ضایعات محصولات کشاورزی مناطق روستایی دهستان دشت روم**، فصلنامه راهبرد های توسعه روستایی، شماره۴، صص۵۳-۳۹.
- رحمانی، مریم، (۱۳۸۵)، **بررسی نقش صنایع تبدیلی در کاهش ضایعات و توسعه صادرات محصولات کشاورزی باغی**، صص۲۰۱-۲۲۹.
- رزاقی بورخانی، فاطمه و ناهید شویکلو، (۱۳۹۱)، **مدیریت ضایعات محصولات کشاورزی در توسعه کشاورزی پایدار ایران**،اولین همایش ملی توسعه پایدار کشاورزی و محیط زیست سالم، دانشگاه تهران، صص ۱-۷.
- سازمان مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان زیرکوه، http://zirkooh.kj-agri jahad.ir
- **سالنامه آماری شهرستان زیرکوه**، (۱۳۹۵)، معاونت آمار و اطلاعات، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان جنوبی، سازمان برنامه و بودجه کشور.
- **شناسنامه آبادی های استان خراسان جنوبی**، (۱۳۹۵)، مرکز آمار ایران، https://www.amar.org.ir
- ظاهری, محمد، محسن آقا یاری هیر و کلثوم ذاکری میاب، (۱۳۹۴)، **اولویت بندی صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در شهرستان آذرشهر با روش ترکیبی دلفی و تاپسیس**، نشریه جغرافیا و برنامه ریزی، سال ۱۹، شماره ۵۱، صص ۲۲۱- ۲۴۶.
- کلانتری، خلیل، عبدی رهنما و حمید موحد محمدی، (۱۳۸۹)، **عوامل پیش برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان خراسان شمالی**، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۸، شماره ۷۰، صص۱۹- ۳۷.
- کرمی، آیت اله، مینا فاریابی و مصطفی احمد وند، (۱۳۹۷)، **تحلیل استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان جیرفت**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۸، شماره ۲ صص ۲۲۳- ۲۳۸.
- مرادی، خدیجه، حسین آگاهی، کیومرث زرافشانی و عبدالحمید پاپ زن، (۱۳۹۴)، **تحلیل کیفی چاش های فرآروی صنایع تبدیلی انواع میوه در استان کرمانشاه(کاربرد نرم افزار NVivo)**، پژوهش های روستایی، دوره۶، شماره۳، صص۴۸۳-۵۱۴.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]

- مرکز آمار ایران، **سال نامه آماری**، (۱۳۹۰) /https://www.amar.org.ir
- مطیعی لنگرودی، سید حسن و علی اکبر نجفی کانی، (۱۳۹۰)، **توسعه و صنعتی سازی روستا (نظریه ها، روش ها و راهبرد های توسعه صنعتی)**، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- نادری،کریم، حمید محمودیان و حشمت اله سعدی، (۱۳۹۳)، **تأثیر صنایع تبدیلی کشاورزی بر وضعیت زندگی(مطالعه موردی روستاهای شهرستان بهار)**، فصلنامه راهبرد های توسعه روستایی، جلد۱، شماره ۴، صص۴۳_۵۹.
- نوروزی، اصغر و عفت فتحی، (۱۳۹۴)، **برنامه ریزی راهبردی توسعه اقتصاد روستایی در شهرستان لنجان (با تأکید بر کارآفرینی در صنایع تبدیلی و تکمیلی)**، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال هفتم، شماره ۲۷، صص۱۵۵_۱۷۸.
- نوری، سید هدایت ا... و شهره نیلی پور طباطبایی، (۱۳۸۶)، **اولویت بندی توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی با استفاده از روش دلفی شهرستان فلاورجان استان اصفهان**، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۱، صص۱۶۱-۱۷۷.
- Asadi, A., Akbari, M., Mohammadi, Y., & Hossaininia, G. H. (2010). **Agricultural wheat waste management in Iran. Australian Journal of Basic and Applied Sciences**, 4(3), 421-428.
- Day, B. P. F. (2000, March). **Modified atmosphere packaging of fresh fruit and vegetables–an overview**. In IV International Conference on Postharvest Science 553 (pp. 585-590).
- -Goss, S. (2001). **Making local governance work: networks, relationships, and the management of change.** Palgrave.
- Unger, P. W., Stewart, B. A., Parr, J. F., & Singh, R. P. (1991). **Crop residue management and tillage methods for conserving soil and water in semi-arid regions**. Soil and Tillage Research, 20(2-4), 219-240.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.31.5.8]